



## داوران کتاب سال - بخش شعر



کتاب ماه کودک و نوجوان / اسفند ۳۸ و فروردین ۸۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نظر بدهند. نقدکنند و قضاوت بکنند. آن هم برمی گردد به نتیجه کار ما. این که ما کی هستیم و چه ویژگی‌هایی داریم، نمی‌تواند زیاد مهم باشد. مهم این است که نتیجه داوری ما چه بوده است، چون به هر حال، وقتی در گروه داوری قرار می‌گیریم، فردیت من فرق می‌کند. آن نتیجه‌ای هم که شما از گروه داوری می‌بینید و ارزیابی می‌کنید، برمی‌گردد. به نظر جمع، شما نمی‌توانید براساس فردیت افراد، قضاوت یک جانبه‌ای داشته باشید. درباره کار گروه، همه اعضای گروه باید نظر بدهند. شخصیت افراد و توانایی‌های آن یک چیز جداست.

نصیری‌ها: اینطور که شنیدیم، امسال کتابی به عنوان کتاب برگزیده شعر کودک و نوجوان انتخاب نشده است، می‌خواهم بدانم شما که شاعر شعر کودک هستید، شما که برای ادبیات کودک زحمت می‌کشید و قلم می‌زنید، تصور می‌کنید که اگر کتابی در جشنواره انتخاب نشود، تغییری در روند کتاب کودک و نوجوان به وجود می‌آید؟ تصور می‌کنید که این امر می‌تواند

یعنی کسی که ما را دعوت کرد، معمولاً ما خیلی راحت نیستیم که بگوییم در خودمان چه دیدیم. از آن جا که جواب سؤال شما یا باید اثبات‌کننده کار ما باشد یا نفی‌کننده کار ما، طبیعتاً ما از جنبه اثباتی صحبت می‌کنیم و در این صورت، باید از توانایی‌های خودمان بگوییم که این کار ما نیست. آن کسانی که ما را برای داوری انتخاب کردند، باید این توضیح را بدهند و اگر هم قرار باشد از عیب‌ها و ضعف‌های خودمان بگوییم، اصل قضیه داوری زیر سؤال می‌رود. بنابراین، من نمی‌توانم جوابی به این سؤال بدهم. خانم صالحی که عامل قتل‌ها بودند، باید جواب بدهند. من مباشر بودم.

صالحی: من هم فکر می‌کنم سؤالی نیست که بتوانم اینجا جواب آن را بدهم. در واقع، سؤال خوبی نیست، چون اگر بخواهم از خودم تعریف کنم یا بگویم جسارت خاصی داشتم که این مسؤولیت را پذیرفتم و یا از آنطرف بگویم من کوچکتر از آن هستم که چنین چیزی را بپذیرم، در هر صورت از جواب خودم راضی نخواهم بود. چیزی است که دیگران باید در مورد آن

افشین علا، اتوسا صالحی و بابک نیک‌طلب داوران بخش شعر کتاب سال ارشاد و عرفان نظرآهاری، به عنوان کارشناس، میهمان کتاب ماه کودک و نوجوان در نشست ما بودند. این که انتخاب نکردن کتابی به عنوان کتاب سال، می‌تواند تلنگری به شاعران کودک و نوجوانان ما باشد، محور اصلی بحث شد و پس از آن، داوران درباره چگونگی انتخاب‌های‌شان و وضعیت کتابهای منتشر شده سال گذشته، صحبت کردند. این جلسه، در محل خانه کتاب برگزار شد؛ پیش از آنکه مراسم اعطای جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، برگزار شده باشد.

نصیری‌ها: می‌خواهم به عنوان سؤال نخست از خانم صالحی و آقای علا که داور بخش شعر کتاب سال بودند، بپرسم که با توجه به اهمیت انتخاب کتاب سال و تأثیر آن روی فروش و جذب کودکان و نوجوانان و کارشناسان به طرف آن کتاب، شما در خودتان چه دیدید که این داوری را پذیرفتید؟ علا: این سؤال را از آقای سیدآبادی باید پرسید؛



تلنگری به شاعرهای ما باشد.

**علا:** من همیشه با معضلی مواجه هستم در ادبیات کودک به طور عام و شعر کودک به طور خاص، چون با آن سرو کار دارم. مشکل این است که ما در شعر کودک با یک مخاطب ناآگاه مواجه هستیم، مخاطبی که صرفاً تولیدات ما را می‌گیرد و می‌پذیرد، بدون اینکه آن را نقد کند و بدون این که توانایی آن را داشته باشد که خوب و بد را از هم تشخیص بدهد. این آفت رفته رفته، باعث پدید آمدن کارهای بسیار ضعیف و نازل در بین همه ما شاعران و نویسندگان شده است؛ به هر حال هیچکس نمی‌تواند از یک کودک و نوجوان، مثل یک بزرگسال توقع داشته باشد که شاعر و نویسنده خودش را وادار کند آثار برتری بیافریند. بنابراین، ما خودمان هستیم که باید به سیستمی مجهز باشیم که به طور طبیعی، سره را از ناسره خودمان تشخیص بدهیم و بعد کار بهتری تولید بکنیم. متأسفانه در این سالها، هر چه از عمر ادبیات کودک و نوجوان ما گذشته، این سیستم دفاعی در ما ضعیف‌تر شده است.

انگار یقین داریم که همیشه از کارهای ما استقبال می‌شود. به سبب داغ بودن بازار کتاب کودک؛ البته منظورم تیراژ کتاب نیست. بلکه چون در جامعه ما ادبیات کودک، یک پدیده نوظهور است و هنوز با ذوق زدگی از آن استقبال می‌شود. ما عادت کردیم که همیشه از کارهای ما تجلیل شود. طبیعی هم هست باید تجلیل شود، اما نه به آن قیمت که ما اشکال کارمان را نبینیم و به سمت کارفرمایشی برویم و شعر کودک تبدیل شود به یک چیز فرمایشی که همیشه چند نفر قلم به دست، از جمله بنده، حاضر باشیم و در یک قالب مشخص تولید بکنیم، مثلاً چهارپاره و خیال ما راحت باشد که این شعرها بالاخره در این مجله یا آن مجله چاپ می‌شود و وقتی تعدادش به چندتا رسید، مجموعه می‌شود، می‌رود به بازار؛ بدون این که هیچ نقد جدی و نگرانی جدی وجود داشته باشد و واقعاً کسی تفاوت‌های بین افراد را بشناسد. در ادبیات کودک همه را یک کاسه می‌بینند. خیلی عجیب است! مثلاً ما ۱۰ یا ۱۵ شاعر جدی در ادبیات کودک داریم و دید عمومی اینطور است که اینها همه آدم‌های مشابه هم هستند. واقعاً اینطور نیست و این آدم‌ها ضعف‌ها و توانایی‌هایی دارند که باید شناخته بشود. کارهای آنها هم کاملاً قابل نقد است و چنین نیست که همه آنها یک‌جور و در یک سطح باشند، پس این فضای فرمایشی باید شکسته شود. می‌توانیم بگوییم چیزی که حاکم بر ما بوده نوعی تقسیم جوائز بوده در این سال‌ها، جایزه‌هایی که به هر حال باید داده شود.

این به تقویت فضای فرمایشی کمک می‌کند. من فکر می‌کنم این فضا و این جو باید شکسته بشود. ما باید به این سمت برویم که هر سال واقعاً کارها را بسنجیم، اگر کاری درخور تقدیر بود، باید به آن جایزه داده شود و اگر کاری درخور تقدیر نبود، باید بدون رودربایستی کنار برود. بدون اینکه ما نگران این باشیم که وقتی داوری به پایان می‌رسد، بقیه چه می‌گویند. امکان دارد قضاوت‌های خیلی نامناسبی هم داشته باشند. شاید این تصور پیش بیاید که ۲ یا ۳ شاعر می‌نشینند و به راحتی، کارهای دیگران را حذف می‌کنند و یا حتی اصلاً نمی‌خواهند کسی غیر از خودشان جایزه بگیرد. این قضاوت‌ها هست، ولی واقعاً هدف شخص من این نبود و می‌دانم که دوستان دیگر هم این هدف را نداشتند. من فکر می‌کنم که باید به جنگ این جو فرمایشی برویم و عدالت هم همین را حکم می‌کند. ما معیارهایی داریم برای کتاب برتر، اثر برتر. وقتی وجود ندارد، دلیلی ندارد که این جایزه حتماً تعلق بگیرد به کسی و من فکر می‌کنم می‌تواند تلنگری باشد. به هر حال، اتفاقی مثل انتخاب کتاب سال در مملکت ما می‌افتد و در زمینه شعر کودک، هیچ کتابی مناسب تشخیص داده نمی‌شود. اگر ما شاعران کمی غیرت داشته باشیم، واقعاً تلنگر است. چطور می‌شود که در طول یک سال ما هیچ اثری خلق نکردیم که در خور کتاب سال باشد و متأسفانه این اتفاق افتاده است.

**نظراهاری:** در جشنواره کانون، فکر می‌کنم یکی دو کتاب برنده شد. یکی «سیب جان سلام» بود در حوزه کودک و «صدای ساز باران» هم در حیطه نوجوان. به نظر من، حتی اگر با انتخاب نکردن مجموعه شعری به عنوان کتاب برگزیده سال، تلنگری هم به جمع ۱۵، ۱۶ نفره شاعران کودک و نوجوان ما زده شود، باز باید ببینیم در بُعد وسیع‌تر، در سطح جامعه، مردم چه دیدی پیدا می‌کنند؟ می‌گویند خودشان هم، خودشان را قبول ندارند یا در این جمع کسی لایق کتاب سال نیست. این بیشتر بعد بیرونی دارد تا بعد درونی. قبل از این که کتاب سال را به قول خانم نصیری‌ها، به عنوان خوراک فرهنگی نگاه بکنیم که حقیقتاً فکر نمی‌کنم این قدر اثر داشته باشد و بعید است روی بازار ما چنان اثری بگذارد که همه بخواهند آن کتاب را بخرند، بلکه بیشتر یک حرکت نمادین و سمبلیک است که می‌گوید ما برای این انواع ادبی ارزش قایل شدیم. خوب، به قول شما ادبیات کودک و نوجوانی که نوبا است و هنوز ذوق زدگی در برابر آن وجود دارد، نباید بعضی وقت‌ها به این جور حرکت‌های نمادین، ارزش بیشتری بدهد؟ **صالحی:** توضیحی بدهم اگر امروز دور هم جمع

شدیم، اصلاً به معنای این نیست که بخواهیم دوره کارنامه کتاب سال را در تمام سال‌هایی که بوده، نقد کنیم. برای این که ما فقط داور امسال بودیم و کتاب‌هایی را که در سال ۷۸ درآمده است در زمینه شعر کودک و نوجوان بررسی کردیم. در مورد کتاب‌هایی که در سال‌های قبل انتخاب شد، باید داوران قبلی توضیح بدهند.

من خودم در مورد پیشینه کتاب سال، حرف‌های دیگری دارم، ولی آنچه را که ما بررسی کردیم، کتاب‌هایی است که در سال گذشته منتشر شده است. فکر می‌کنم ما فقط باید در این دوره نظر بدهیم، نه در مورد تمام دوره‌ها.

**علا:** البته، تذکر خانم صالحی درست است، ولی من با نگرانی شما موافق نیستم، به هر حال، اگر می‌خواهیم فضای کار ما یک فضای حرفه‌ای باشد، من این را قبلاً به داورهای دیگر حتی با انتقاد و دعوا گفتم، اگر می‌خواهیم حرفه‌ای قضاوت بکنیم، نباید نگران این بازتاب‌ها باشیم. برای این معضلات، فکر دیگری باید بشود.

از طرفی این که ما کتاب برگزیده‌ای نداشته باشیم به این معنا نیست، یعنی بازتاب آن در بیرون، این نیست که همه کتاب‌ها بد هستند. اگر بخواهیم به مخاطب یا والدین و مربیان، پیشنهاد کنیم که مثلاً در طول سال برای بچه‌ها چه کتابی بخرند، مطمئناً همین کتاب‌هایی را که دوستان ما خلق کردند، معرفی می‌کنیم و تأکید داریم که اینها را بخوانند، ولی فضایی که ما در آن داوری می‌کنیم، صرفاً بر سنجش باورهای عموم مبتنی نیست، بلکه ملاک‌های تخصصی شعر کودک هم در آن سنجیده می‌شود به هر حال، شعر کودک تعریفی دارد، محدوده‌ای دارد. هم‌چنین؛ فصل‌بندی‌هایی و معیارهایی دارد و براساس آنها ما مجبور هستیم به اقتضای حرفه و کارمان، سختگیر باشیم و دقیقاً بر آن اساس قضاوت بکنیم.

داور نباید وقتی اثر را بررسی می‌کند، نگران این باشد که اگر اصلاً کتابی برگزیده نشد، چه واکنشی در پی دارد. قاعدتاً این دغدغه‌هایت داوری نیست و به سیاستگذارهای فرهنگی و هنری برمی‌گردد.

**نظراهاری:** نفس کاری مثل انتخاب کتاب سال، دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی را دربر دارد. اگر قرار باشد خودمان با دوستان بنشینیم و کتاب او را نقد کنیم، شاید خیلی تند و تیز به او بگوییم کتاب تو شایستگی چاپ ندارد، ولی خواه ناخواه این جا دیدگاه‌های جمعی هم وجود دارد؛ غیر از دیدگاه آن سه یا چهار نفری که کتاب را از حوزه تخصصی بررسی



بازار را از این کتاب‌ها پر می‌کنند تا به سودی برسند. البته بعضی از کتاب‌ها فروش نمی‌رود و مدتها در کتاب‌فروشی می‌ماند و هیچ اتفاقی نمی‌افتد و ناشر از این که این کتاب را چاپ کرده ناراحت نیست، یک کتاب ارزنده در زمینه تحقیقات علمی یا تحقیقات ادبی، در کتاب‌فروشی‌ها می‌ماند، کتاب سال هم می‌شود، ولی مشتری خاص خودش را ندارد، اما ناشر کتاب کودک این کار را نمی‌کند. می‌خواهد کتابی که امروز چاپ می‌کند تا شش ماه دیگر در بازار نباشد اگر شاعری باشد که کتابش فروش نرود، از دور نشر خارج می‌شود، بنابراین این حرکت ناخواسته بر جامعه ما تأثیرگذار است و بین چهار، پنج نفر از دوستان عزیزی که داریم انحصاری شده است و خوب هم کار می‌کنند و کار کردند، اما می‌بینیم کتاب‌هایشان بیشتر از بقیه چاپ می‌شود.

من نمی‌خواهم بگویم بد است یا خوب است، اما بیشتر از بقیه چاپ می‌شود. کما این که ما در این دوره، هم داشتیم، افرادی بودند که سه، چهار کتاب توسط ناشرهای مختلف چاپ کرده بودند، ولی در عوض افراد خاصی که ما دنبال آنها بودیم، اصلاً به قول شما فرصت ارائه اثرشان را پیدا نکردند یا در چاپخانه‌ها یا در دست ناشرهایشان گیر کرده است. به هر حال این اتفاق نیفتاده و به نظر من، بُعد بیرونی آن خیلی وسیع است و این حرفی که شما می‌زنید، درست است، یعنی بعد بیرونی کار ما خیلی بیشتر از درونی آن است، اما واقعیت این است که زمانی باید جلوی گرفتار شدن باید ببینیم معضل اصلی از کجا شروع می‌شود؟ آیا این کتابها اصلاً به دست مخاطب نمی‌رسد؟ یا نمی‌خواند و نمی‌خرد که البته، مشکل دانش‌آموز یا کودک، این است که یک نفر باید کتاب را به او برساند. خیلی از ناشرین، توزیع خوبی ندارند. پس مشکل اصلی، مخاطب نیست.

نظر آهاری: پس شما در کتاب سال هم نمی‌توانید این معضل را حل کنید، مشکل شما حل‌نشده است. صالحی: ما نمی‌توانیم این معضل را حل کنیم. تنها کاری که می‌توانیم انجام دهیم، این است که معضل دیگری به این معضل اضافه کنیم.

نظر آهاری: شما گفتید که کتاب‌ها می‌توانند تأثیرگذار باشند. من می‌خواهم بدانم ما در چه حوزه‌ای، این بررسی را انجام می‌دهیم؟ در ارشاد که خانم صالحی در جریان آن هستند، چه کتاب‌هایی می‌آید؟ من می‌توانم بالای ۹۹ درصد به شما آمار بدهم که کتاب‌های مبتذل است و هر چقدر هم که ما جلوی این کتاب‌های مبتذل را بگیریم، درصدی از آن قاچاقی یا

نیک‌طلب: در واقع، کتاب سال می‌خواهد آینه نشر کتاب را در هر دوره بررسی کند و بهترین‌ها را در معرض دید مردم قرار بدهد. در زمینه انتخاب شعر کودک و کتاب‌های شعر کودک، ما فقط امسال داور بودیم و به طبع همان طور که خانم صالحی گفتند، در مورد سال‌های قبل نمی‌توانیم حرفی بزنیم. به نظر می‌رسد که شاهد معضل بزرگی هستیم که اتفاقاً باید در کتاب سال به آن اشاره کرد. سال‌های سال بود که گروهی به صورت انحصاری، این جایزه را بین خودشان تقسیم می‌کردند. حالا علی‌رغم کیفی شدن کارها و علی‌رغم حضور دیگر شاعرهای کودک و نوجوان که به این جمع اضافه شدند، می‌بینیم که تعداد کتابهایی که چاپ شده، هم کمتر است و هم ضعیف‌تر. انگار ناشران ما سمت و سوی خاصی را دنبال می‌کنند و جامعه فرهنگی ما را می‌برند که باید روزی جلوی آن گرفته شود. البته ما کارهای خوبی هم در زمینه شعر کودک دیدیم، که باز قابل تقدیر نبود. یعنی به نظر نمی‌رسد که اتفاق تازه‌ای افتاده باشد. یا یک نفر حرکت جدیدی را در زمینه شعر کودک شروع کرده و تأثیرگذار باشد. اگر هم بوده، خیلی ضعیف بوده است؛ آن هم با تیراژ پایین و کیفیت خیلی پایین‌تر.

از همه بدتر این که انگار سرمایه‌گذاران اصلی این قضیه که ناشرین هستند، می‌خواهند کارشان هر چه زودتر به فروش برسد و به همین دلیل، می‌بینیم که

می‌کنند. به علاوه مشکل فقط از این طریق نمی‌تواند حل شود. مجموعه‌ای از عوامل، خود ارشاد، چاپ کتاب، تیراژ آن، مشکلات کاغذ و امثال این‌ها باعث می‌شود کتاب‌هایی که در یک سال درمی‌آید، بیانگر تعداد واقعی کتاب‌های نوشته شده نباشد، برای مثال، در سال ۷۸ اگر پنج تا کتاب نوجوان درآمد حقیقتاً این طوری نیست، بیست تا از آنها در چاپخانه‌ها مانده و سی تا دست ناشرها است. پس، این در واقع یک محک درست نمی‌تواند باشد. خواه ناخواه عوامل دیگری هم وسط می‌آیند.

علا: به هر حال این را من و شما و همه می‌دانیم که هیچ شاعر خوبی با رعایت مصلحت‌ها و ملاحظات به وجود نیامده است. مثلاً احمد شاملو، اگر احمد شاملو شد، و اخوان ثالث، اگر اخوان ثالث شد، قطعاً پشت سرش این جور دغدغه‌ها نبوده است که ما حتماً باید یک شاعر خوب داشته باشیم و به مردم معرفی بکنیم، بنابراین، نمی‌توانیم بی‌دلیل آدم‌ها را گنده کنیم. به هر حال اینها به سبب شاعر بودن‌شان و جدیتی که داشتند، مطرح شدند. چه خوب است که در ادبیات کودک ما، در شعر کودک ما واقعاً آدم‌ها توانایی پیدا کنند و کارها آن قدر قوی و حرفه‌ای باشد که خود به خود، کتاب‌شان در صدر بنشینند و اصلاً نیازی به این دغدغه‌ها نداشته باشد و همان طوری که گفتم، این دغدغه‌ها را باید جای دیگری درمان کرد.

افشین علا





کتاب بخیریم. نویسنده‌های کودک و نوجوان ما شناخته شده‌اند، مثل مصطفی رحماندوست، اصلاً اسم او سند است.

پدر و مادری که به طور جدی کتاب کودک و نوجوان را دنبال می‌کند، قطعاً می‌رود به دنبال کتابی که شعر خوب در آن باشد، مثل کتاب‌های استاین. استاین آمد در ایران، ترجمه شد، حتی ترجمه‌های بازاری، اما مادر می‌گفت کتاب استاین را بده. نگاه نمی‌کرد این را کدام ناشر یا کدام مترجم درآورده است، استاین برایش سند بود. من خیلی با خانم نظراهارای موافق نیستم و معتقدم که اگر شاعر ما شعر خوب بگوید قطعاً فروش خواهد کرد و مخاطب آن را درک خواهد کرد و خواهد خواند.

معتقدم ما شعر خوب نداریم، شاعر خوب نداریم. من بخشی از مشکل را به ناشرها ربط می‌دهم، بخشی را هم به تصویرگرها که تصویر خوب نمی‌کشند، اما مقصر اصلی را شما شاعرها می‌دانم که شعر خوب نمی‌گویید که من مادر برای بچه‌ام خوراکی فرهنگی تهیه کنم.

نیک طلب: این هم بحثی است که اصلاً شاعر خوب داریم یا نه؟ سال‌های اولی که ما شعر کودک و نوجوان کار می‌کردیم، بحث ویروس بزرگسالی در شعر کودک مطرح شد. امروز من بحث دیگری را مطرح می‌کنم به اسم ویروس انحصار در شعر کودک. فردی شاعر خوبی است و آثار خوب و ماندگاری هم آفریده، اما به نظر شما همه کارهای او خوب است و اگر یک نفر امروز وارد این عرصه شد، نباید به او میدان دهیم. ولی این اتفاق در نشر امروز نمی‌افتد. همه ما شاعر هستیم و مجموعه‌هایی داریم، مدت‌ها منتظریم تا چاپ شود ولی ناشران اصلاً حاضران نیستند درصدی قرارداد ببندند. می‌گویند خرید قطعی، یعنی فروش همه هستی شاعر، علت آن چیست؟ اگر سود ندارد، پس چرا می‌خرند؟ اگر سود دارد پس چرا قرارداد درصدی نمی‌بندند؟ ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که همه شاعران ما در سطح حافظ باشند.

حافظ برای ما مثل یک چاه نفت می‌ماند و فروش آن همیشه تضمین شده است. اما درست نیست که شاعر فقط به آن چاه نفت اکتفا کند. به هر حال روزی تمام خواهد شد. بحث ما این است که نباید انحصاری باشد. باید بهترین‌ها انتخاب شود و با تبلیغات نمی‌شود شعر خوب یا بد را انتخاب کرد.

شما تیراژ کتاب‌های سال ۷۸ را ببینید. تیراژ کتاب‌هایی که به مرحله نهایی رسیدند، ۵۰۰۰ یا ۲۰۰۰ یا ۳۰۰۰ است، شاعرهای خوب هم همگی بیشتر از



بابک نیک طلب

کتاب‌ها در حوزه تخصصی بررسی شود و نه داورانی که انتخاب می‌شوند، آنها براساس کتابهایی که موجود است داوری می‌کنند. این معضلی است که اگر جلوی گرفته نشود، مشکلاتی به دنبال دارد که یکی از آن مشکلات را شما به آن اشاره کردید. من فکر می‌کنم پدید آمدن فضایی که جلوی چاپ این گونه کتاب‌ها گرفته شود، یک آرزوی دور از دست است.

با توجه به واقعیت‌هایی که در جامعه ما وجود دارد. مثل اینکه این کتاب‌ها باید باشد، مجوز هم داده شود، کاری هم به کارشان نداشته باشند. حالا باز ما می‌توانیم صدایمان را به گوش کسانی که در این زمینه مسؤول هستند، برسانیم. شاید فکری بشود. جاهایی مثل انجمن می‌تواند تأثیرگذار باشد. البته بحثی در انجمن پیش آمد که خیلی باجنجال همراه شد و آن بحث ارزش گذاشتن و نمره‌گذاری روی کتاب‌ها بود. اگر این طرح می‌توانست این مرز را ایجاد کند، به نظر من می‌توانست موفق باشد، ولی چون با مخالفتها و موافقت‌هایی زیادی همراه بود، به آن پرداخته نشد. به هر حال، این طور جاها باید در این مورد فکر کنند و خیلی به کتاب سال مربوط نمی‌شود.

O نصیری‌ها؛ البته، من خیلی با حرف دوستان موافق نیستم. معتقدم که اگر نویسنده و شاعر ما شعر خوب بگوید، کتاب خوب چاپ کند، مخاطب هم می‌آید سراغش آقای علا هم اشاره کردند، کودک و نوجوان خودش کتاب نمی‌خرد. من مادر و شما پدر باید برای او

به هر حال با مجوز وارد بازار می‌شود. ما مقایسه را در این جمع بسیار نامناسب انجام می‌دهیم؛ یعنی همه کتابهای ما، همه شاعرهای ما آن پانزده، شانزده نفری نیستند که شما می‌شناسید، بلکه خیل عظیمی هستند که خودشان را نویسنده و شاعر کودک می‌دانند، حال آن که کم‌ترین بهره‌ای از این اصول نبرده‌اند. در واقع ما پیامی به آنها می‌دهیم؛ یعنی وقتی می‌گوییم هیچ کتابی حتی شایسته تقدیر نبود، هم چنان خودشان را شایسته می‌دانند که به کار خودشان ادامه بدهند. در واقع، ما الگویی برای شاعرانی که هیچ چیز از این وادی نمی‌دانند، ارائه می‌دهیم. حالا نظر شما چیست؟

علا: من شاید تا به حال متوجه اثر داوری در این کار نبودم. این که ما نمی‌توانیم برای مخاطب و والدین، مرزی مشخص کنیم تا بتوانند تفاوت بین کارهای اصیل و کارهای بازاری و مبتذل را بشناسند، مشکل ما است و این که چه‌طور این همه کتاب مجوز می‌گیرد و مخاطبان ما هم آن کتاب‌ها را ترجیح می‌دهند، واضح است، چون بازار سلیقه آنها را هدایت می‌کند.

شاید بسیاری از پدر و مادرها فکر می‌کنند کتاب خریدن برای بچه این است که جلوی کیوسک کتاب‌فروشی بروند، چند تا از این کتابهای رنگ‌آمیزی شده و مبتذل را برای بچه‌های خود بگیرند و خیالشان هم راحت باشد که برای بچه‌مان کتاب خریدیم. این مشکلی است که اصلاً به کتاب سال مربوط نمی‌شود؛ یعنی نه متولیان کتاب گناهی دارند که می‌خواهند



۵۰۰۰ تا تیراژ ندارند.

صالحی: اگر شما سیلوراستاین را مثال زدید، می‌شود خیلی مثالهای دیگر هم زد. ما شاعر بزرگی مثل ریلکه داریم که الان کتاب تازه‌ای از او چاپ شده است و کتاب با تیراژ ۳۰۰۰ تا درمی‌آید و خیلی از خواننده‌های جدی ادبیات نه با این کتاب آشنا می‌شوند، نه در کتاب فروشی می‌بینند، نه می‌خوانند. شما می‌توانید بگوئید اگر ریلکه این جا حضور داشته باشد، شاعر خوبی نیست، چون کتاب او در ایران فروش نمی‌رود.

ریلکه را با استاین مقایسه کنید. به نظر من بحثی هم که این جا مطرح شد، دقیقاً همین است. اگر کتاب شعری با تیراژ ۱۰۰۰ تا درمی‌آید و این کتاب اصلاً مطرح نمی‌شود و فروش نمی‌رود و خواننده اصلاً نمی‌بیند، دلیل بر این نمی‌شود که او شاعر خوبی نبوده است. بعضی از شعرها که ما امروز به عنوان بهترین نمونه‌های شعر کودک و نوجوان مثال می‌زنیم، ممکن است در سال‌های آینده کنار گذاشته شود.

اگر ما به عنوان یک گروه تخصصی داوری، آمدیم این جا صحبت کنیم، کمی باید صحبت‌ها را تخصصی‌تر و جدی‌تر کرد و به کنه ماجرا رفت. باید از این سطحی که همیشه در آن بودیم و در آن درجا زدیم، یک کم عمیق‌تر شویم و علتها را جست‌وجو کنیم.

نصیری‌ها؛ ما کاملاً از بحث خودمان دور شدیم.

معتقدم باید این بحث را همین جا تمام کرد، اما توضیح خواهم داد که ریلکه هم کاملاً قضیه‌اش در ادبیات بزرگسال، این گونه است. چطور در کنار ریلکه، البادسس پدس را داریم که کتاب‌هایش بلافاصله به چاپ دوم و سوم می‌رسد و از خانم‌های خانه‌دار تا دانشجو و دخترهای جوان این کتاب را می‌خوانند.

اما برای این که از بحث کتاب سال دور نشویم، از داورها می‌پرسم ملاک و معیار انتخاب کتاب کودک چه بود؟ می‌خواهم یک تعریف از شعر کودک به ما ارائه بدهید و بعد بگوئید ملاک و معیار شما چه بود و چه علتی باعث شد که فکر کنید هیچ کتابی شایستگی انتخاب به عنوان کتاب سال را نداشته است.

علا: ما در داوری‌مان، مثل سال‌های قبل، متکی به فرمی هستیم که در آن معیارها و ضوابطی نوشته شده است که اتفاقاً آن معیارها و ضوابط مورد اتفاق ما نبود. بعضی چیزها را فکر می‌کردیم باید اضافه بشود و فکر می‌کنم اضافه نشد. فرمی بود که به فرم دیگری تغییر پیدا کرد و فکر می‌کنم فرم جامعی شد. و ما براساس آن امتیاز دادیم. حالا اگر آن معیارها این جا موجود بود، می‌شد روی آن صحبت کرد. اگر هم نیست، شما به راحتی می‌توانید آن معیارها را در کتاب ماه چاپ کنید. فکر نمی‌کنم اشکالی داشته باشد، نکته

دوم اینکه من فکر نمی‌کنم اصلاً دلیلی داشته باشد که بخواهیم دوباره شعر کودک را تعریف بکنیم؛ اگر چه کار کتاب ماه این است در جلساتی باید روی این نکته‌ها بحث بشود. ولی چه دلیلی دارد در جلسه داوری، شعر کودک را دوباره تعریف بکنیم؟ قالب شعر و منظوم بودن کلام در ادبیات کودک، خود به خود آن اثر را وارد حوزه شعر می‌کند؛ حتی اگر هم ارزش شعری نداشته باشد. قالب شعر کاملاً شناخته شده است و این سوء تفاهم‌ها کمتر در حوزه شعر کودک پیش می‌آید و مخصوصاً این که آن قدر تعداد کارهای بازاری و مبتذل زیاد است، که خود به خود، دامنه کتاب‌های ارزشمند و قابل بررسی خیلی محدود می‌شود. ما به راحتی بدون این که اختلاف نظری با هم داشته باشیم بیشتر از ده، دوازده کتاب را قابل بررسی ندانستیم.

البته به هیچ وجه نمی‌شود این کتاب‌ها را معیار قرار داد و یا به کسانی که می‌خواهند وارد این فضا شوند، توصیه کرد که براساس این الگوها شعر بگویند. نظر آهاری: می‌خواستم بدانم کتاب‌هایی که شما بررسی کردید، فقط در حوزه کودک بود یا نوجوان هم بود؟

علا: البته کلاً کتابها کم بود و همان طور که گفتیم فقط ده، دوازده عنوان قابل بررسی بود.

نظرآهاری: ناشران دولتی معتقد بودند که کتاب کودک کم است و کتاب نوجوان در حال زیاد شدن است. در نتیجه، ناشرانی مثل کانون در سال‌های اخیر، کتاب نوجوان نمی‌گرفتند و بیشتر می‌خوانستند خردسال چاپ کنند. فکر می‌کنم این مسئله خواه ناخواه تأثیر گذاشت روی کتابهایی که در سال ۷۸ بررسی شد. کتابهای نوجوان به مراتب کمتر از کتاب کودک بود و تازه از بین این کتابهای کودک، کتاب‌های بازاری هم بود حتی از شاعران خوب. سعی کرده بودند به قول خودشان، جونمای گندم فروش باشند. نظر شما درباره جونما و گندم فروش بودن چیست؟ آنها معتقدند که دیگران، گندم‌نمای جو فروش هستند. ما در واقع، کمک می‌کنیم که جونمای گندم فروش باشیم تا بچه‌ها کارهای ما را در میان کتابهای بازاری بخرند، ولی در بطن آن مایه‌ای از ادبیات و خلاقیت هم وجود داشته باشد. شما در این کتاب‌هایی که بررسی کردید، آیا به این نکته رسیدید؟ خود شاعران حرفه‌ای ما می‌گویند که تلاش می‌کنیم شبیه کارهای بازاری بنویسیم، ولی در عین حال، وقتی کودکان کارهای ما را می‌خوانند می‌بینند که این ادبیات است، اما شکل آن شبیه کارهای بازاری است.

### عرقان نظر آهاری





مطرح نشود و کتاب‌هایش را بیرون بیدارند باید یک روال منطقی وجود داشته باشد مثل جشنواره فیلم فجر که سالی یک‌بار برگزار می‌شود و یک فیلم هم به عنوان فیلم برتر انتخاب می‌شود و خیلی کم هم مورد انتقاد قرار می‌گیرد. در واقع انتخاب داورها مورد احترام بقیه است، فیلم هم فروش می‌کند و به جشنواره خارجی هم می‌رود، اما در مورد ادبیات کودک و نوجوان اینطوری نیست، یک روال منطقی وجود ندارد.

**نیک‌طلب:** مقایسه خوبی با جشنواره فجر داشتید. با این همه وقتی فیلمی ساخته می‌شود و مورد ارزیابی گروهی از داوران قرار می‌گیرد و بعد هم به عنوان بهترین فیلم جشنواره شناخته می‌شود. معلوم نیست فروش هم بکند یا اصلاً با مخاطب ارتباط بگیرد. در ضمن، ما شاعران و نویسندگان در قلمرو دیگری قرار داریم؛ جایی به نام ادبیات. اصل ادبیات، مخاطبش است.

کتاب‌ها اول چاپ می‌شوند، در اختیار مخاطب قرار می‌گیرند و بعد ارزیابی می‌شوند و ما هم که این جا هستیم، از جایی خارج از قلمرو ادبیات کودک و نوجوان انتخاب نشدیم.

به هر حال آقای علاء، ۱۵، ۱۶ سال است که در این زمینه قلم می‌زنند. در نتیجه، بعید است کتابی چاپ بشود و ایشان نبینند. من نمی‌گویم حتماً می‌خوانند، ولی می‌بینند. خانم صالحی هم همین‌طور. حتی از کتاب‌هایی که ترجمه می‌شود، اطلاع دارند. به هر حال، ما سال‌های سال است که در این زمینه کار می‌کنیم و خارج از گود نیستیم یا دستی از دور بر ادبیات کودک و نوجوان نداریم.

همیشه آن شاعری که بالا می‌رود، نشان‌دهنده بهترین انتخاب نیست، همیشه به آن معنی نیست که فقط آن شاعر کار خوبی ارائه می‌دهد. بحث ما این است. اصلاً مطلب ما همین است. نباید به کتاب‌های سال این‌گونه نگاه بکنیم که از شاعر و نویسنده تقدیر می‌کنیم. متأسفانه، این جایگاهی شده است برای تقدیر از ناشر. بحث ما این جا است. ناشر می‌خواهد کتابی چاپ کند که کتاب سال شود. می‌خواهد کتابی عرضه کند که بیشترین فروش را داشته باشد. کتابی منتشر کند که نمایشگاه کانون بپذیرد، نمایشگاه قرآنی بپذیرد، نمایشگاه امور تربیتی بپذیرد و در حالی که کودک و نوجوان ما خیلی مهمتر از این نمایشگاه‌ها و موارد دیگر است. شاید شعر بزرگسال و ادبیات بزرگسال به سیاست نزدیک باشد. ولی شعر کودک نباید این‌طوری باشد. ما با نسلی روبه‌رو هستیم که می‌توان آنها را به



آتوسا صالحی

بعد در این زمینه، کتاب‌هایی از مؤلف بگیرد و چاپ کند.

بنابراین شاعر ما یک جهت‌دهنده کلی، به غیر از ناشر و بازار کتاب دارد. مسئله این است که کتاب اصلاً به دست بچه و مخاطب نمی‌رسد و مخاطب، انتخاب نمی‌کند. اگر ما جایی می‌داشتیم که مخاطب می‌توانست انتخاب کند، این خوب بود، ولی این‌طوری نیست. هیچ وقت در سراسر این مرز و بوم بزرگ، این هفده، هجده میلیون مخاطب، خودشان انتخاب‌کننده کتاب نیستند. زمانی ما می‌توانیم بگوییم کتابی خوب است یا شعری خوب است که مخاطب مستقیماً انتخاب بکند و بخواند و بگوید این کتاب بدون در نظر گرفتن ناشر، تیراژ و قیمتش، بهتر از کتاب‌های دیگر است.

**نصیری‌ها:** نویسندگان کودک و نوجوان ما محدودند و بضاعت زیادی هم در آنها دیده نمی‌شود، اما هر روز و هر روز، پانداخت و نکوداشت برای آنها انجام می‌شود و تشویق می‌شوند، جایزه می‌گیرند و این جشنواره تمام نشده، کارت دعوت بعدی می‌رسد. در حالی که اگر در انجمن بخواهد نویسنده برتر انتخاب شود قطعاً با یک روش خاص به قضیه نگاه می‌شود و کانون هم برای خودش ضوابطی دارد و کتاب سال هم همین‌طور. معتقدم یک ضابطه مشخص وجود ندارد برای این که یک کتاب شعر، به عنوان شعر برتر انتخاب بشود. آقای X ممکن است در جشنواره کانون مورد تقدیر قرار بگیرد، اما در چهار جشنواره دیگر، اصلاً

**صالحی:** من فکر می‌کنم شاعران ما نبودند که این تصمیم را گرفتند، این ناشران ما بودند که این تصمیم را گرفتند و شاعران ما هم فکر کردند فرصتی پیش آمده است که آنها می‌توانند از این فرصت‌ها استفاده کنند و کاری که خودشان هم چندان نمی‌خواهند انجام بدهند.

برای این که حداقل، مخاطب اسم آنها را بشناسد و از طرف دیگر، آنها بتوانند یک سود اندک مالی از این بابت به دست بیاورند. فکر می‌کنم مسبب این وضع، ناشرها هستند.

ناشرهایی بودند که اگر کارنامه آنها را در سال گذشته بررسی کنیم، می‌بینیم کل کارها سفارشی بوده که از بیرون به شاعرها داده شده است.

**نظرآهاری:** بنابراین، برمی‌گردیم به صحبت خانم نصیری‌ها که می‌گویند شاعر اگر خوب باشد، شعرش فروش می‌رود، در حالی که می‌بینیم شاعر فقط سهم کوچکی در این بین دارد و بیرون عواملی وجود دارد که تصمیم‌گیرنده است؛ از جمله خود ناشر و بازار آشفته بیرون.

**نیک‌طلب:** یک مسئله دیگر هم است. همین برگزاری جشنواره‌های متعدد را می‌گویم. برای مثال در جشنواره کتاب، ناشر برگزیده انتخاب می‌کنند، به دلیل این که در یک زمینه خاص اثر متفاوتی ارائه داده است.

این باعث می‌شود که ناشر تشویق شود که سال



زمین آیش و آماده کشت تشبیه کرد. باید روی پرورش آنها کار شود. متأسفانه، هیچ جایگاهی برای کسانی که می‌خواهند این زمینه را پرورش بدهند، فراهم نیست.

دو مؤسسه بزرگ که در آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند، سال‌های سال است که شعر کودک و نوجوان چاپ نکرده‌اند و فقط همان مسائل علمی را چاپ می‌کنند. مسائل ریاضی را چاپ می‌کنند. این خودش یک معضل است. ما با ۵۰، ۶۰ نفر شاعر روبه‌رو هستیم که شاید درجه شاعری آنها مختلف باشد، ولی معضلات آنها مثل هم است. یعنی ناشری حاضر نیست برای آنها هزینه خرج کند تا وارد این میدان شوند. اگر هم شده با خون دل شده. کانون کتاب اول هیچ شاعری را نمی‌گیرد و ناشرین دولتی که می‌پذیرند، توزیع خوبی ندارند و به تبع آن، حق الزحمه متناسب با شأن شاعر نمی‌دهند. ناشرین خصوصی هم که دغدغه بازار و همان نمایشگاه‌ها را که گفتم، دارند. اگر این بحث‌ها قرار باشد از بحث داوری سال حذف شود، حرفی که ما داشتیم چه می‌شود؟ معنایش این می‌شود که حرفی نداشتیم برای گفتن. مثل سال‌هایی که کتاب‌های خیلی از دوستان چاپ نمی‌شد، بدون این که دلیلی گفته شود. بدون هیچ استدلالی، دوستان حذف می‌شدند و می‌دیدیم چند سال ما یک شاعر خوب کودک و نوجوان کتاب‌هایش چاپ می‌شود، ولی اصلاً آثارش دیده نمی‌شود. آن سال‌ها ما نبودیم که ببینیم دلیلش چیست، ولی امسال که هستیم، به این نتیجه رسیدیم که در جایی این حرف‌ها باید زده شود و فکر می‌کنم مرتبط با کتاب سال باشد. کتاب سال فقط انتخاب چند نفر نیست. اگر ما فکر می‌کردیم، همه شاعران کودک و نوجوان باید تقدیر شوند، می‌توانستیم امسال هم چهار نفر را تقدیر کنیم. هدف این نبوده و نیست و آن شاعر هم راضی نیست. ممکن است من و یا دوستان دیگر راضی باشیم، ولی شاعران ما راضی نمی‌شوند ادبیات به انحطاط کشیده شود.

**صالحی:** مباحثی که به نظر می‌رسد جزء مباحث داوری کتاب سال ما نیست و این جا مطرح شد، همان مباحثی است که به عمق می‌پردازد. مباحثی که بارها هم تکرار شده، به سطح می‌پردازد. این که کسی جایزه گرفت و دیگری نگرفت و نظایر آن موقعی که انتخاب می‌کردیم، نظر ما به کل شعر کودک و نوجوان ایران

معطوف بود، می‌خواستیم توجه دیگران را به چیزهایی جلب کنیم که فکر می‌کردیم ادبیات ما را به انحراف می‌کشاند. من این را با اطمینان می‌گویم که شاعران امروز ما خودشان از کارنامه سال گذشته‌شان راضی نیستند و اگر خود آن شاعر، می‌خواست به کتاب شعر خودش جایزه بدهد مطمئناً نمی‌داد؛ چون همان طوری که ما می‌دانیم او چه کار کرده، خودش هم می‌داند و اتفاقاً ما می‌خواستیم این جا جمع شویم و گله کنیم. ما نگران آنها هستیم و وقتی کتابی را انتخاب نمی‌کنیم، به نفع آنهاست. اگر نخواهیم جلوی این جریان بایستیم، این جریان پیش می‌رود و می‌رسیم به این که شاعران ما سال‌های دیگر هم از این قبیل ناشران، چنین سفارش‌هایی بگیرند و کار سفارشی تولید کنند. وقتی از چنین کتاب‌هایی تجلیل نشود، شاعران ما انگیزه کم‌تری برای تولید آنها پیدا می‌کنند.

**نصیری‌ها:** در تأیید حرف‌های شما عرض می‌کنم که در بعضی موارد، تشبیه از تشویق کارسازتر است. اگر کتابی انتخاب نشود، شاید تلنگری باشد که شاعرها به خودشان ببینند. اما با تعداد جشنواره‌ها اگر امروز کتاب من برگزیده نمی‌شود، می‌گویم اشکال ندارد، دو ماه دیگر در فلان جشنواره انتخاب می‌شود. اگر فقط و فقط کتاب سال ارشاد بود، اگر فقط و فقط یک جشنواره در سال بود، شاید شاعرهای کودک و نوجوان همت بیشتری می‌گذاشتند، سواد بیشتری کسب می‌کردند تجربه بیشتری به دست می‌آوردند که شعر بهتری بگویند که فقط و فقط یک جشنواره محک بخورد. ۲۴۰ نویسنده چیست که از ۲۸ نفر آنها فقط کانون تقدیر کرد و از ۲۰ نفر انجمن نویسنده‌ها که می‌شود ۵۸ نفر، منهای ۲۴۰ که بکنیم، ۱۰۰ نفر دیگر می‌ماند که لابد در دو جشنواره دیگری از آنها تقدیر می‌شود. من معتقدم که این همه جشنواره، اصلاً با بضاعت ادبیات کودک و نوجوان ما تناسب ندارد. باید کاری کنیم که آنها سواد علمی‌شان بالا برود تا کار بهتری بنویسند. دوستی می‌گفت، نویسنده کودک و نوجوان، وقتی دغدغه کرایه خانه دارد و یا جایی ندارد که توی آن بخوابد، چه طوری می‌تواند شعر خوب بگوید؟ این هم نکته‌ای است. دوستی می‌گفت ما کامپیوتر نداریم تا به سایت اینترنت وصل شویم ببینیم در دنیا چه خبر است. ۲۸ نفر در جلسه منتقدان کتاب ماه حضور داشتند، هیچ‌کس نمی‌دانست هری پاتر، چند نسخه در دنیا

فروش کرده است. این خیلی وحشتناک است. نویسنده کودک و نوجوان باید بداند در دنیا چه اتفاقی می‌افتد. باید بتواند خودش را محک علمی بزند. هنوز توان این را نداریم که همه نویسنده‌ها را یک جا زیر یک سقف جمع کنیم.

وقتی هنوز عنوان «شورایی» به یک سری می‌خورد، عنوان «کانونی» به یک سری دیگر چه نیازی است این همه جشنواره برگزار کنیم؟ ما اصل قضیه را ول کردیم و چسبیدیم به بزرگداشت و نکوداشت. اگر معتقدیم که شعر کودک و نوجوان ما رو به نزول می‌رود و هیچ شاعری نیست که ماندگار بشود، اگر دیگر محمود کیانوشی به وجود نمی‌آید، اگر معتقدیم که رحماندوست همان رحماندوست ۱۵ سال پیش است و هیچ تغییری نکرده، پس باید سر ادبیات کودک و نوجوان را از جایی بگیریم و یک تکان اساسی به آن بدهیم. معتقدیم ما می‌توانیم. ما که دست اندرکار ادبیات کودک و نوجوان هستیم، شمایی که در ادبیات کودک و نوجوان قلم می‌زنید باید کاری بکنیم. قضیه رفاقت و قضایایی را که همه بهتر از همدیگر می‌دانیم، کنار بگذاریم. من واقعاً حسرت می‌خورم. هر روز جشنواره برگزار می‌شود، ولی کتابی در زمینه شعر انتخاب نمی‌شود. این خیلی وحشتناک است.

**نیک‌طلب:** درباره برگزاری جشنواره‌ها باید بگویم که جشنواره‌ها برای تقدیر از آن دوپست و چهل نفر یا هزار نفر نیست. در واقع، مخاطب مهم است. ما بیشترین مخاطب را برای برگزاری جشنواره کودک و نوجوان داریم. بنابراین، اصل قضیه خوب است. باید ۹۰ درصد جوایز کتاب سال، به مخاطبان کودک و نوجوان هدیه شود و ۱۰ درصد برای بقیه رشته‌ها در نظر گرفته شود. ما سالهای سال است که این معضل را در کتاب سال ارشاد داریم. تازگی‌ها همان مقدار به کودک و نوجوان بها می‌دهند که مثلاً به دامپزشکی - که البته، آن هم ارزشمند است - خلاصه بگویم، مخاطبانند که مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، نه آن افراد. آن ۲۴۰ نفر برای چه کسی کار می‌کنند؟ جز برای آن ۲۰ میلیون دیگر؟ ۲۰ میلیون کودک و نوجوان که همان ۶۰ میلیون آینده هستند. خدمتی که این ۲۴۰ نفر به ادبیات امروز می‌کنند، از هر نظر و در هر نوع ارزیابی، قابل تقدیر است و باید به همه آنها هم جایزه بدهیم. چون برای مخاطبی کار می‌کنند که تقریباً فراموش شده است.



باشد. مؤسسات مختلف و مجلات کتاب سال برگزار کنند هر چند پُر از اشتباه، ولو این که بنده هم از دیدن این نتایج حرص بخورم و هیچ نتیجه‌ای هم نگیریم و هیچ خیری هم این داوری نداشته باشد. منتهی بدبینی شما نسبت به روند کار که صدچندان آن در ماهم هست، درست است.

داریم می‌بینیم که باید خودمان بنشینیم و به تلخی‌های یک کار تخصصی تن دهیم. گاهی از شعر کودک، فقط کودکی می‌بینیم و خود شعر را فراموش می‌کنیم. شعر تعریفی دارد. معیارهایی دارد که دیگر هیچ فرقی نمی‌کند که مخاطب شما دو ساله باشد یا صدساله؛ چون بحث، بحث شاعرانگی است. مخصوصاً که ما در شعر کودک، مخاطبی داریم که چه بخواهیم و چه نخواهیم، زبانی که به او انتقال می‌دهیم، به نوعی جنبه آموزشی دارد. هر چقدر که ذهنیت ما جلو باشد، باز شعری که برای بچه‌ها ارائه می‌دهیم، کارکرد زبان‌آموزی دارد و خیلی باید متوجه وزانت کلام باشیم. دایره واژگانی را بشناسیم. ما دچار سهل‌انگاری شدیم. چاره درد آن هم فقط به دست خودمان است و تا زمانی که نخواهیم تعارف‌ها را کنار بگذاریم، نخواهیم منافع خودمان را زیر پا بگذاریم و بنشینیم با قضاوت علمی به کارمان نگاه کنیم، این مشکلات وجود خواهد داشت. تصویرها؛ من تصور می‌کنم در پایان جلسه، ما به یک زبان مشترک رسیدیم. همه معتقدیم که باید کاری کرد، اما این که از کجا و چطوری، همچنان نمی‌دانیم و منتظر می‌شویم تا نشست‌های بعدی و جلسات بعدی که باز هم دور هم جمع شویم و حرف‌های تازه و عمل‌های تازه داشته باشیم. امیدوارم در حد حرف باقی نماند. ممنون از حضور شما و این که تشریف آوردید.

ما را حل کرده و نه تشکیل انجمن‌هایی مثل انجمن نویسندگان.

من از منتقدان پرو پا قرص انجمن هستم. درست است که بنا را بر مخالفت نگذاشتم، ولی مسایلی وجود دارد که قابل چشم‌پوشی نیست. مثلاً اولین داوری که در جشنواره مطبوعات کردند و من چند جلسه درباره اشکالات نحوه داوری با آقای حجوانی و خلیلی بحث کردم، ولی هیچ نتیجه‌ای نداد. درباره انتخاب بیست نویسنده برتر که قضیه خیلی فصیح‌تر بود؛ یعنی یک ادعای بسیار بزرگ بود، به نتیجه کاری ندارم. بالاخره، نتیجه حاصل سلیقه افراد است و باید محترم باشد، اما نحوه داوری عجیب بود. طوری که خود داوران هم به نحوه داوری اعتراض می‌کردند؛ مثلاً سهل‌انگاری که در مطالعه آثار شده بود یا انتخاب افراد و نحوه مشورت‌ها. اصلاً داوری که در زمینه شعر نظر می‌دهد، چقدر صلاحیت دارد؟ آن هم انجمنی که با آن دغدغه تشکیل شد که شناخت مردم را نسبت به ادبیات کودک، تخصصی‌تر کند. درد ما این بود که تا وقتی انجمن تشکیل شده بود، شاعران و نویسندگان به طور پراکنده کار می‌کردند و گاهی حتی برای هم خط و نشان می‌کشیدند. گاهی هم که با یکدیگر دوست می‌شدند، باند تشکیل می‌دادند: رفاقت‌ها و دشمنی‌های آن چنانی.

گفتیم انجمن تشکیل نشود تا این حب و بغض‌ها کنار رود و انجمن یک چیز تخصصی و حرفه‌ای باشد، یعنی انجمن جایی باشد که ما عینک حرفه‌ای داشته باشیم و اگر آدمی هست که ما با او مشکل داریم، در انجمن او را به عنوان یک آدم حرفه‌ای قبول داشته باشیم. قرار بود شناختی که مردم به صورت پراکنده از ادبیات کودک و نوجوان دارند آن جا به صورت ترازو و معیار دربیاید. بعد دیدیم که متأسفانه، انجمن و هیأت مدیره انجمن هم به سهل‌انگاری‌ها و رودربایستی‌ها و قانع شدن به نتایج دم‌دستی و کارهای فرمایشی تن داده که بالاخره یک طوری سرش را هم می‌آوریم، تجلیل می‌کنیم، بوقی می‌زنیم، سر و صدایی می‌کنیم، تشویق می‌کنیم و... با این که من الان هم شدیداً انتقاد دارم، اما مخالف برپایی انجمن نیستم و باز هم عضو انجمن هستم و باز هم مشتاقم که اوضاع بهتر شود. این طور حرکت‌ها را نمی‌شود زیر سؤال برد. انجمن‌ها باید تشکیل شود و جایزه کتاب سال باید

شما آمار کتاب‌های سیاسی را ببینید، بعضی‌ها به چاپ می‌آم رسیده است با تیراژ ۱۰۰۰۰ نسخه، اما بهترین شاعر کودک ما از نظر تیراژ کار، متأسفانه اصلاً قابل مقایسه نیست. همین مقدار شهرت هم شاید به سبب شعرش نبوده باشد، او هم حتماً روابطی یا سابقه‌کاری دارد.

شما آمار جشنواره‌ها دست‌تان هست و گویا علاقه دارید که اطلاع‌رسانی کنید. چون به اینترنت اشاره کردید عرض می‌کنم، تعداد این افرادی که جایزه می‌گیرند، انگشت‌شمار است؛ یعنی اصلاً به آن ۲۴۰ نفر ربطی پیدا نمی‌کند. یک سری هم اصلاً در فکر جایزه گرفتن نیستند؛ فقط به ناشرینی کار می‌دهند که جایزه بگیرند و این بحث وسیع‌تری است. تأثیر این جوایز تنها حذف مخاطبان بیست میلیونی است که زمانی این اتفاق در کتاب سال ارشاد افتاده بود. اما جشنواره پنیر در این کشور برگزار می‌شود و می‌گویند ما می‌توانیم چند نوع پنیر تولید کنیم که مثلاً قدیم هفت هشت نوع بوده، اما حالا تا ۱۸۰ نوع در جهان هست...

علا: عرض کنم هر اتفاقی مثل این داوری کتاب سال یا کانون، بیست سال ادبیات کودک و مراکز مختلف یا مجلاتی که داوری کتاب سال می‌گذارند، اینها به نوبه خودش قابل نقد است. در چنین جایی می‌توان نشست و کار آنها را نقد کرد چه بسا که پر از خطا و اشتباه باشد. من خودم شخصاً به خیلی از داوری‌ها اعتراض دارم و از نتیجه‌ای که از این داوری‌ها نصیب ادبیات کودک و نوجوان شده چیزی نمی‌دانم. خیری هم در آن نمی‌بینم. اما این به آن معنا نیست که ما کل این حرکات را زیر سؤال ببریم؛ یعنی در کنار پدیده‌ای مثل تولید کتاب کودک، تولید شعر کودک، تولید قصه، باید جریان مشوقی هم وجود داشته باشد که حالا در جاهای مختلف نمود پیدا می‌کند. ضمن این که با نگاه انتقادی و بدبینانه شما کاملاً موافقم و حتی به نوعی می‌توانم بگویم خیلی تلخ‌تر از شما به قضیه نگاه می‌کنم و بسیار از نقیصه‌ای که در ادبیات کودک وجود دارد، رنج می‌برم. ادبیات کودک، به طور عام و شعر کودک به طور خاص، مثل بچه‌ای است که با معلولیت بزرگ می‌شود. از آسیب‌هایی رنج می‌برد و ما مثل والدین بی‌توجه، نمی‌خواهیم درست به آن نگاه کنیم. من کاملاً موافقم که نه این داوری‌ها مشکل